

میرکان

(دریچه‌ای به ادبیات شفاهی مردم ایلام)

صید محمد درخشنده

ظاهر سارایی

انتشارات

درخشنده، صیدمحمد: سارایی، ظاهر
میرکان (دریچه‌ای به ادبیات شفاهی مردم ایلام) / مؤلفان: صیدمحمد درخشنده؛
ظاهر سارایی. - ایلام: زانا، ۱۳۸۹.
۱۳۶ص.

ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۶-۸-۳

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر کردی قرن ۱۴. الف. عنوان: دریچه‌ای به ادبیات شفاهی مردم ایلام ب. عنوان
PIR ۸۰۴۱ / ۳۹ م ۱۳۸۹ ۸۵۹/۶۲



نام اثر: میرکان (به معنای جای چادرزدن عشایر کرد)
مؤلفان: صیدمحمد درخشنده، ظاهر سلوایی

طراح جلد: قدرت ملکی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۶-۸-۳

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۴۰۰ تومان

نشانی ناشر: ایلام، خیابان عاشورا، نیش کوچی سوم. تلفن: ۰۹۱۸۳۴۱۲۴۵۴

zaanaapub@yahoo.com

هر گونه برداشت و استفاده از این کتاب، منوط به اجازه‌ی کتبی مؤلفان است.

این اثر با حمایت مالی حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان ایلام

چاپ و منتشر شده است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	هوره / هوره
۱۹	واران وارانہ / واران وارانہ
۲۷	لاوه لاوه / لاوه لاوه
۴۱	نیتوانم بر / نمی توانم بروم
۵۰	نہ نار ژہ باخان / انار در باغها
۷۰	شہ مال وہ نہ یوان / نسیم صبا بہ ایوان
۷۴	بہ زپران / بہ صدا در یاور
۷۸	بہ یت مہ شکہ / سرود مشک
۸۳	سیت یتارم / برایت یاورم
۹۰	نہ قدلباقرخان / عبدالباقرخان
۹۴	چہ مہری / چمری
۱۰۲	موور / مویہ
۱۱۸	خالو و باوہ خان / دایی باباخان
۱۱۶	بہرق / بلوط
۱۱۸	چل بہل چل نیم بہل / چہل پروار گوش افراختہ
۱۲۲	کہ شک / کشک
۱۲۵	مہ سلت و چہوچہ / ضرب المثل و چیستان

راهنمای خوانش اشعار کردی

حرف کردی	معادل فارسی و کاربرد	لاتین
ه-ه	فتحه —؛ ندر (چرا؟ برای)، وەر (گلیم)	a
و	ضمه —؛ نوردهک (اردک)	o
ا (نا)	ا (آ)؛ ناگر (آتش)	â
وو (نوو)	و (او)؛ نووخه‌ی (آسایش)	u
ی (نی)	ی (ای)؛ نیلام (ایلام)	i
ئ (نین)	ئ (نین)؛ تیره (این جا)، شیر (شیر درنده)	ê
ۆ	با صدایی بین «و» و «ی» خۆن (خون)	ü
ڕ	«ر» مشدد کردی؛ که‌ڕ (ناشنوا)	ê
ل	لام فخیم کردی؛ که‌ل (بزکوهی)	l
ف	فای کردی؛ گف (زلف، موی انبوه)	v
ت	ت، ط	t
چ	چ	ê
خ	خ	x
ز	ز، ظ، ض، ذ	z
ژ	ژ	ž
س	س، ص، س	s
ق	ق	q
ش	ش	š
ه	ه، ح	h
نگ	صامتی مرکب لژ «ن» و «گ»؛ مثل دنگ (صد)	ŋ
-	صامت «ژ» مختوم به فتحه یا کسره؛ مثال: نۆ (و)	w- 'aw
ء (ث، ئ)	همزه (ء)، ع	'
«تشدید»	حرف مشدد تکرار می‌شود؛ مثال: مللهت (ملت)	-
«کسره»	نقش‌نمای اضافه یا کسره معمولاً نوشته نمی‌شود	e/ -e
«واو عطف»	واو عطف به صورت «و» منعکس می‌شود؛ من و تو	-u/ -o
بقیه‌ی نشانه‌ها مطابق معمول نوشته و خوانده می‌شوند		

مقدمه

نبض فکر، ذوق و فرهنگ عامه در ادبیات شفاهی می‌زنند؛ و به این سبب مردمی‌ترین، صمیمی‌ترین و ناب‌ترین بستر تجلی ذوقیات توده‌های بی‌نام و نشان است. این نوع ادبی، جویباری است که از دل مردم سرچشمه می‌گیرد؛ به تکلف و تفرعن آلوده نیست؛ و چون از دل برآمده، لاجرم بر دل هم می‌نشیند.

نمی‌خواهیم در باره‌ی ادبیات شفاهی چیزی بگویم چرا که بزرگان و صاحب‌نظران بسیاری در این باره کتاب‌ها نوشته، و مقاله‌ها نگاشته‌اند. صداع نمی‌دهیم و اشاره‌ای می‌کنیم به ادبیات شفاهی در ایلام و می‌گذریم.

در ایلام و البته در بیشتر نواحی گردنشین دیگر، کمتر شعر و ترانه و باوری مکثوب شده‌است و این همه سینه‌به‌سینه نقل شده و در جریان انتقال از زنجیره‌ی نسل‌ها تأثیرات فراوانی پذیرفته و دگرگونی‌هایی یافته‌است که این عمل، نوعی شراکت همگانی در پروردن این آثار مردمی بوده‌است. با این اوصاف، دریغ‌مندانه در گذر زمان پاره‌هایی از آن، از بین رفته و نجیف‌تر شده‌است. شاید تا زمانی که شیوه‌ی زندگی مردم این مناطق، چنان گذشته در خط سیری مشخص و بی‌تغییر در حرکت بود، ادبیات شفاهی مردم کمتر دچار دستخوش و زوال می‌شد؛ چرا که هر نسلی از طریق حافظان و راویان و ترانه‌خوانان خود، آن‌ها را تا حد زیادی حفظ می‌کرد، اما در صدها ساله‌ی اخیر که شکل زندگی مردم به سرعت دچار تغییر شد و بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم متحول گردید، ادبیات شفاهی مردم نیز به همان سرعت، راه فراموشی و زوال را پیمود. معمولاً در چنین شرایطی، مدیران و متولیان فرهنگی جامعه، ادبیات شفاهی و گریزهای مردمی را با تشکیل نهادها و سازمان‌های مربوط ضبط و حفظ و پیرایش و منتشر می‌کنند تا این سرمایه‌ی ارزشمند به مثابه‌ی پشتوانه‌ای برای نسل‌های بعدی باقی بماند. متأسفانه دست کم در استان ایلام تلاش‌هایی سازمان‌یافته برای ضبط و حفظ ادبیات شفاهی صورت نگرفته و اگر گرفته مقطعی بوده‌است. باید دانست که با مرگ هر حافظ و راوی ادبیات شفاهی، بخشی از فرهنگ و ادبیات مردمی ما هم می‌میرد.

این کتاب، تلاشی است از سر درد و دغدغه و عشق به فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم ایلام؛ و چنان که اشاره کرده‌ایم تنها در بجهای است به آن، و مثنی از خروار، تا شاهدهی باشد بر توانمندی و غنای ذوق و ذهن نسل‌های گذشته‌ی ایلامیان. کتاب چنین شکل گرفت که نمونه‌های پراکنده‌ای از چنین آثاری فراهم آمده بود. با تحقیقات بیشتر، نمونه‌های دیگری از اشعار را به دست آوردیم و راویان و حافظان بسیاری به ما کمک کردند. مجموع اشعار را بدون تصرف و تحریف در ضبط اصلی، با نگاهی انتقادی تصحیح و ویرایش کردیم و ترجمه‌ی ساده و روان اشعار را همراه با آوانوشت لاتین، بدان افزودیم تا گردزبانان کمتر آشنا با خوانش و دریافت اشعار گُردی بهره‌ی بیشتری از کتاب ببرند و غیر گردزبانان نیز زمینه‌ی آشنایی و استفاده‌ی ذوقی و علمی‌شان از اشعار مردمی این منطقه فراهم آید.

خوانندگان که با شیوه‌ی خواندن متون گُردی، کمتر آشنایی دارند، می‌توانند قبل از مطالعه‌ی کامل کتاب، به راهنمای نگارش گُردی و راهنمای آوانوشت لاتین مراجعه نمایند.

هدف گردآورندگان این کتاب، در اختیار گذاشتن مجموعه‌ای منسجم، قابل اعتماد و دلکش و دل‌نشین بود؛ لذا علاوه بر وسواس بسیار، در به‌گزینی آثار، تلاشمان را در زیبایی ظاهری و عرضه‌ی مطلوب آن به کار گرفته‌ایم. امیدواریم در پیشگاه خوانندگان و علاقه‌مندان به زبان و ادب گُردی، تا حدودی سر بلند بیرون آمده باشیم. بادا که این کتاب راه رشد و کمال را بی‌ماید و در خور موضوعش باشد.

چشم به راه نقدها و نظرها و استدراکات صاحب‌نظران و دوستداران زبان و ادب گُردی هستیم و چنان‌چه نمونه‌های دیگری از اشعار مرتبط با موضوع این کتاب، یا نمونه‌های دیگری از ادبیات شفاهی را در اختیارمان بگذارند، ان‌شاء‌الله در چاپ‌های بعدی به نام خودشان از آن‌ها بهره خواهیم گرفت. و سخن آخر این که رهین منت راویان و حافظانی هستیم که این اشعار از سینه‌ی آن‌ها بر این صحیفه نقش بسته است.